



Prevention of Crimes by Terrorist Refugees in the Light of International Law

Ahmad Reza Tohidi*

Samira Khavari Seied**

Mohaddeseh Ghasemi Parizi***

Abstract

Basically, the phenomenon of international terrorism in the international community has always been faced with concerns that have the potential to disrupt the political atmosphere of countries. On the other hand, the constant movement and displacement of people associated with these movements is another problem that countries are struggling with. This research has addressed the issue that basically the approach of governments towards the phenomenon of asylum and its subsequent rights in order to shelter the flow of international terrorism is a harassing trend towards governments and for various reasons tries to deprive and prevent these people from seeking asylum, who are usually other refugees who are harmed by this trend. In this regard, the Security Council Resolution 1373 and the 1951 Convention have also referred to the protection of victims of terrorism. By adopting a descriptive-analytical approach and in a library format, this research seeks to answer the question of what is the relationship between the protection of refugees and the phenomenon of terrorism and how can we distinguish between them? The findings of this study indicate that, in order to eradicate the flow of international terrorism, refugee-receiving countries should try to implement the resolutions and programs proposed in existing conventions and treaties in the field of defending victims of terrorism, as well as to prevent crimes committed by refugees, and by monitoring them, distinguish between real refugees and terrorists.

Keywords: Terrorism, International Terrorism, Asylum, Exclusion and Prohibition, International Criminal Court.

* Department of international Qom, Qom, I.R.Iran.

ar.tohidi@qom.ac.ir

** mashhad azad university, Mashhad, I.R.Iran (Corresponding author).

samfa6469@gmail.com

*** West Tehran Islamic Azad University, Tehran, I.R.Iran.

mhdsgsmip@gmail.com

0000-0002-3852-0920

0009-0007-6928-3378

0009-0001-2941-2637

پیشگیری از جرائم پناهندگان تروریست در پرتو حقوق بین الملل

احمد رضا توحیدی*

سمیرا خاوری سید**

محدثه قاسمی پاریزی***

چکیده

اساساً پدیده تروریسم بین الملل در جامعه جهانی همواره با نگرانی‌هایی روبه‌رو بوده است که این ظرفیت را دارد که فضای سیاسی کشورها را مختل نماید. از طرفی تردد و جابه‌جایی مداوم افراد متناسب به این جریان‌ها نیز، معضل دیگری است که کشورها با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این پژوهش به این موضوع پرداخته است که اساساً رویکرد دولت‌ها در قبال پدیده پناهندگی و حقوق متعاقب آن به‌منظور پناه دادن به جریان تروریسم بین الملل روند ایدایی نسبت به دولت‌ها بوده و به دلایل مختلف سعی در محرومیت و ممانعت از پناهندگی این افراد دارد که به‌صورت معمول سایر افراد پناهنده از این روند آسیب می‌بینند. در همین راستا قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت و همچنین مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ نیز اشاره‌ای به حمایت از قربانیان تروریسم داشته است. با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی و به‌صورت کتابخانه‌ای، این پژوهش درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که حمایت از پناهندگان چه ارتباطی با پدیده تروریسم دارد و چگونه می‌توان بین آنها تفکیک قائل شد؟ یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که کشورهای پناهنده‌پذیر می‌بایست به‌منظور ریشه‌کن‌سازی جریان تروریسم بین الملل نسبت به اجرای قطعنامه‌ها و برنامه‌های مطروحه در مقاوله‌نامه‌ها و پیمان‌های موجود در زمینه دفاع از قربانیان تروریسم و همچنین به پیشگیری از جرائم پناهندگان سعی کنند و با نظارت بر آنها بین پناهندگان واقعی و تروریست‌ها تفکیک قائل شوند.

واژگان کلیدی: تروریسم، تروریسم بین الملل، پناهندگی، محرومیت و ممنوعیت، دادگاه بین المللی کیفری.

* دانشیار گروه حقوق عمومی - بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران.

ar.tohidi@qom.ac.ir

** کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

samfa6469@gmail.com

*** دانشگاه آزاد اسلامی اسلامی، تهران غرب، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mhdsgshmp@gmail.com

مقدمه

اگرچه مهاجرت موضوعی بحث‌برانگیز در جامعه بین‌المللی است، با وجود تصویب پیمان جهانی مراکش برای مهاجرت ایمن، منظم و منظم (GCM) در سال ۲۰۱۸م، اسناد بسیاری وجود دارد که شامل ارجاعاتی به حفاظت از عبور از مرزها می‌شود. یکی از اولین موارد، حمایت بین‌المللی از پناهندگان است که در آن افرادی که از مرزها برای جستجوی حمایت فرار می‌کنند، اغلب توسط دولتی که از آن فرار کرده‌اند، به‌عنوان تروریست طبقه‌بندی می‌شوند؛ اما توسط کشور مقصد به‌عنوان پناهنده شناخته و محافظت می‌شوند. جامعه بین‌المللی به‌طور گسترده، از گنجاندن حقوق بشر عمومی حمایت شده برای همه (از جمله مهاجران) توسط سایر مقاله‌نامه‌های تصویب‌شده تحت اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌طور خاص برای مهاجران، همان‌طور که در مقاله‌نامه کارگران مهاجر پیشنهاد شده است، استقبال نکرده است. با این حال، در توسعه اساسی بین‌المللی بعدی مرتبط با مهاجرت - تصویب پروتکل‌های پالرمو علیه قاچاق و قاچاق انسان - حرکت به سمت استفاده از قوانین جزایی فراملی در زمینه مهاجرت بر اساس مبارزه با تروریسم توجیه نمی‌شود. از سوی دیگر، اسناد سازمان ملل در مورد مبارزه با تروریسم که از نظر قانونی الزام‌آور هستند، هیچ اشاره‌ای به مهاجرت به‌عنوان یک موضوع ندارند. در اسناد دیگری، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و غیره؛ اما پیوند بین تروریسم و مهاجرت ظاهر می‌شود و موضوع مهمی است.

در این بخش مقاله، جمع‌بندی این است که جامعه بین‌المللی هنگام اتخاذ تدابیر الزام‌آور قانونی که باید توسط دولت‌ها تأیید شود، تمایلی به آمیختن ضد تروریسم و مقابله با تروریسم با مهاجرت ندارند. با این حال، چنین اشتباهی در نهادهای سیاسی سازمان ملل، به‌ویژه شورای امنیت، وجود دارد، جایی که این دو حوزه متمایز با هم ترکیب شده‌اند و دولت‌ها تشویق می‌شوند یا حداقل آسایش خود را برای اتخاذ اقداماتی که مهاجران را به‌عنوان منابع بالقوه تروریسم هدف قرار می‌دهند، تشویق می‌کنند. شورای امنیت، در اینجا، سیاست اقلیتی از کشورها (عمدتاً بخشی از شمال جهانی) را در سازمان ملل نشان می‌دهد که تلاش می‌کنند از جریان‌هایی که به کشورهایشان می‌آیند، اگر گردشگران ضعیفی هستند، جلوگیری کنند. این امر مستلزم درگیر شدن در پویایی از مسئولیت‌زدایی طبقه سیاسی ملی در رابطه با تأثیرهای منفی

سیاست‌های امنیتی آن‌ها در خارج و ارتباط بین مداخله‌های نظامی و تروریسم فراملی است. پیوندهای ضمنی (و گاهی صریح) که آنها بین تروریسم و ورود خارجی‌ها ایجاد می‌کنند، کلیشه‌های منفی مهاجران را از طریق یک فرایند (غیر) امنیتی که با حمایت از افراد «آنها» توجیه می‌شود، فراتر از معنای سنتی امنیت ملی در موارد اضطراری، تبلیغ می‌کند. موقعیت‌ها زمانی کار می‌کند که به صورت فراملی و در راستای مشروعیت‌زدایی حقوق بین الملل توسعه یابد.

در بخش دوم مقاله بیان می‌شود که چگونه اعلامیه‌های سیاسی سازمان ملل متحد منعکس‌کننده و پوششی برای اختلاط زمینه‌های مهاجرت و امنیت در اروپا است. به عنوان مطالعه موردی، به ویژه اتحادیه اروپا، سیاست‌های ضدتروریسم، از جمله تحلیل‌های لفاظی و علمی و اقدام‌هایی که کشورهای اروپایی با استفاده از ابزارهای حاکمیتی ادغام و انجام داده‌اند، بررسی می‌گردد. همچنین رویه‌های استثنایی با قانونی تضعیف یا به صورت فراسرزمینی اعمال می‌شوند، و با استفاده از اقدامات خارج از قلمرو فیزیکی کشورهای خود به عنوان سپر جزئی در برابر ادعاهای حقوق بشر تحت تأثیر اقدامات (مهاجران) قرار گرفته‌اند. ما در اینجا تحلیلی از چالش‌های حقوقی در دادگاه‌های فراملی در اتحادیه اروپا و شورای اروپا یا نهادهای معاهده سازمان ملل ارائه نکرده‌ایم که توسط افرادی که تحت تأثیر این اقدامات انجام شده به دلایل ضد و ضد تروریسم قرار گرفته‌اند و کشورهای مربوطه ادعای آن را دارند، وارد نکرده‌ایم. ما می‌دانیم که حمایت از قطعنامه‌های سازمان ملل در این زمینه در حال توسعه است؛ اما خارج از محدوده این مقاله است.

در مورد این موضوع تحقیقات کمی صورت گرفته است و تنها به جنبه امنیت کشورهای مهاجرپذیر پرداخته شده است؛ برای مثال Didier Bigo و Elspeth Guild در مقاله International Law and European Migration Policy: Where Is the Terrorism Risk که در سال ۲۰۱۹ به چاپ رسیده است، نویسندگان اشاره دارند که حقوق بین الملل در قالب معاهدات، تمایلی به تعامل با امنیت ملی در برخورد با مهاجرت نداشته و این امر را به قوانین ملی واگذار کرده است. در عوض، تلاقی امنیت ملی - معمولاً به شکل نگرانی در مورد تروریسم و مهاجرت - در گفتمان سیاسی اتفاق می‌افتد که به عنوان گذری برای انواع مختلف خشونت دولتی علیه افرادی که طبقه‌بندی

شده یا مظنون به مهاجر هستند عمل می‌کند. BEN SAUL در مقاله

ON AUSTRALIA'S INDEFINITE DETENTION OF REFUGEES HUMAN RIGHTS SECURITY GROUNDS UNDER INTERNATIONAL LAW

که در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده است، اشاره دارد که روند قانونی داخلی فعلی معمولاً پناهندگان را از هرگونه اطلاع‌رسانی یا اطلاع کافی از ادعاها و شواهد علیه آنها محروم کرده و مانع از بررسی استحقاق توسط یک دادگاه اداری مستقل می‌شود و نمی‌تواند بررسی قضایی واقعی و مؤثر ارزیابی‌های امنیتی یا بازداشت (شامل درجه کافی از انصاف رویه‌ای) را ارائه دهد. در نتیجه اغلب بازداشت نامحدود پناهندگان شناخته شده است که نمی‌توانند از استرالیا خارج شوند و بنابراین در سیاهچاله قانونی باقی می‌مانند که در آن تصمیمات امنیتی از نظارت مصون هستند. Nizar Messari و Johannes van der Klaauw در مقاله COUNTER-TERRORISM MEASURES AND REFUGEE PROTECTION IN NORTH AFRICA که در سال ۲۰۱۰ به

چاپ رسیده است، نویسندگان اشاره دارند که در شمال آفریقا، تهدید تروریستی، کشورهای منطقه را به وضع قوانین جدید و همکاری فشرده‌تر با یکدیگر و همچنین با ایالات متحده و اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای عضو آن برای مقابله با یکدیگر واداشته است. با عواقب تروریسم، بهای این سیاست‌ها برای پناهندگان، پناهجویان و سایر مهاجران بالا بوده است: از قربانی بودن و شایسته بودن برای مراقبت، به تهدیدهای بالقوه تبدیل شدند. چنین اقدامی دارای هزینه‌های حقوقی، انسانی و اجتماعی است، هم برای کشورهای منطقه و هم برای قربانیان آن.

با توجه به پیشینه مربوطه مشخص می‌شود که بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه امنیت کشور محل مهاجرت می‌باشد و کمتر به جرائم پناهندگانی که به تروریسم روی می‌آورند، پرداخته شده است و نوآوری این مقاله در این مسئله می‌باشد که به جرائم پناهدگان تروریست بپردازد.

پناهندگی در طول تاریخ مسیر پرفرازونشیبی را طی کرده است و امروزه به یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی - اجتماعی در حوزه بین‌الملل تبدیل شده است. علی‌رغم ماهیت حقوقی پناهندگی، در عمل، عوامل سیاسی و منافع کشورها، این مسئله را از حالت صرف حقوقی خارج کرده است تا جایی که شرایط زمانی و مکانی در نوع

تصمیم‌گیری دولت‌ها برای اعطای پناهندگی مؤثر بوده است. اصطلاح «پناهندگی»، «پناهندگان» و «پناهنده» از جمله عبارت‌هایی است که به صورت مشخص در دنیا و حقوق بین الملل وجود دارد و هر روزه به دفعات از آن استفاده می‌شود. با اینکه با مراجعه به اسناد بین المللی مختلف می‌توان عدم تعاریف مشخص در مورد اصطلاحات بین المللی را شاهد بود، ولی این اصطلاح در اسناد بین المللی دارای تعریف مشخص و چهارچوب معینی می‌باشد. دلیل این تعریف شایع بودن این موضوع می‌باشد. افراد به دلایلی که همواره در هر سرزمینی وجود دارد؛ مثل جنگ، ناامنی، قحطی و... اقدام به مهاجرت کرده‌اند، به همین دلیل، این مهاجرت افرادی را به وجود آورده است که با عنوان پناهنده می‌شناسیم؛ البته این پناهندگی از نظر حقوقی می‌تواند شامل پناهندگان سیاسی نیز شامل شود که امری متداول می‌باشد (اخوان، ۱۳۹۵، ص. ۱۲).

پناهندگان که از سرزمین خود دور افتاده‌اند، معمولاً حقوق آنان در مناطق دیگر تضییع می‌شود و حتی ممکن است جان آنان در خطر بیفتد. به همین دلیل وضعیت شکننده پناهندگی وضعیتی را در حقوق بین الملل به وجود آورده است که در اسناد مختلف بین المللی دست به شناسایی حقوق آنان زده‌اند. این مقررات در حقوق بین المللی رسمیت یافته و با نام حقوق پناهندگان شناخته می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵)؛ اما یکی از جریان‌های ناصواب در پهنه اجتماعی که در حوزه پناهندگی مطرح است، مقوله جرم و پدیده تروریسم است. به وضوح تروریسم تأثیرات بسیار زیاد و مستقیمی بر حقوق بشر دارد و پیامدهای زیانباری را در بهره‌مندی از حق بر حیات، آزادی و تمامیت جسمانی قربانیان آن به جا می‌گذارد. علاوه بر هزینه‌های انسانی، تروریسم می‌تواند منجر به بی‌ثباتی حکومت‌ها و تضعیف جامعه مدنی گردد و صلح و امنیت را به خطر اندازد و تهدیدی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی به حساب آید. تمامی این مسائل تأثیر عمیقی در بهره‌مندی از حقوق بشر به همراه دارند. امنیت فردی یکی از حقوق بنیادین افراد است و حمایت از فرد تعهدی اساسی برای دولت‌ها به حساب می‌آید (سعیدی، ۱۳۸۵، ص. ۶۳). براین اساس حکومت‌ها متعهد هستند تا با اتخاذ اقدامات قاطعانه، حقوق اتباع خود و سایرین را تضمین نمایند و از آنها در برابر تهدید عملیات تروریستی حمایت به عمل آورند و مرتکبان این اعمال را محاکمه نمایند. یکی از راه‌های پیشگیری از ورود تروریسم به کشورها، ممانعت از نفوذ و ورود

آنها به خاک کشورهاست. زمامداران اغلب می‌کوشند از این طریق، امنیت کشور خود را حفظ نمایند، و بدین منظور، از اسناد موجود در نظامنامه بین‌المللی، منشور سازمان ملل و دیگر قواعد و قوانین حاکم از جریان پناهندگی استمداد می‌طلبند؛ زیرا پدیده تروریسم، پدیده خلق‌الساعه نیست و توسط یک دسته از افراد از طریق مرزهای کشورها، وارد خاک آنها می‌شود. به همین منظور، جلوگیری از ورود آنان، عمده‌ترین راه برای صیانت از امنیت در جامعه بین‌الملل است؛ البته ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که باید، اسناد بین‌المللی ابتدا تعریفی دقیق از پدیده تروریسم ارائه دهند؛ زیرا اقدامات تروریستی گاه در پوشش نهضت‌های آزادی‌بخش شکل می‌گیرد که به اشتباه برچسب تروریسم به آنها اطلاق می‌شود (سرفراز، ۱۳۹۳، ص. ۴۴). به همین منظور در این پژوهش پرسش اساسی این است که اساساً پدیده جرائم تروریستی چه ماهیتی داشته و ارتکاب جرائم تروریستی چه تأثیری بر پیگیری دعاوی پناهندگی دارد و آیا می‌تواند در صورت جمع بودن سایر شرایط، به محرومیت متقاضی از تحصیل وضعیت پناهندگی منتهی شود؟

موضوع مذکور، اهمیت و زمینه بارزی را ایجاد می‌کند تا مسئله اعطای پناهندگی و بررسی درخواست‌های مربوط به آن از حیث حقوقی مورد کنکاش قرار گیرد که اساساً چه سازوکاری در حوزه حمایت‌های حقوق بین‌الملل از منظر اسناد موجود در این زمینه می‌تواند برای افراد به عنوان یکی از حقوق اولیه بین‌المللی تعبیه گردد. همچنین جنبه ثانوی اهمیتی که در این خصوص حادث می‌باشد، بهره‌گیری و پرداختن به نظام راهبردی مقابله با پدیده شوم تروریسم در جهان است که دولت‌های تمایل ندارند که این دسته از افراد بتوانند بدون محدودیت به سرزمین‌ها و قلمروهای مختلفی بین‌المللی وارد شوند؛ زیرا زمانی که جرم افراد مهرض شود، بدیهی است که وجود آنان در هر منطقه می‌تواند از میزان امنیت در آن جامعه بکاهد (خیبری و دربندی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰)؛ لذا اهمیت اساسی این پژوهش، بازشناسی جایگاه جرم در حوزه پناهندگی در اسناد بین‌المللی و نحوه مواجهه سازمان‌های مسئول در این زمینه است. روشی که در این مقاله به آن پرداخته شده است، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. به این صورت که ابتدا به توصیف اسناد بین‌المللی و سپس به تحلیل و تطبیق آن با موضوع و هدف اصلی پرداخته می‌شود.

۱. همگرایی و تعادل نحوه برخورد با جرائم تروریستی

قبل از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م به برج‌های دوقلوی نیویورک، با توجه به اسناد بین‌المللی و تلاش‌هایی که سازمان ملل از قبل داشت، توازنی میان مصلحت و حق برقرار بود و این توازن در حال اجرا بود. ولی بعد از این واقعه، به دلیل اینکه امنیت اجتماعی به مخاطره افتاد و بیم آن می‌رفت که حقوق افراد ضایع شود، سازوکاری برقرار شد که باعث گردید، امنیت در صدر امور قرار گیرد و برخی حقوق به دلیل طرح مسئله امین در حاشیه قرار گرفت، ولی برخی حقوق دانان بر این موضوع هم اذعان دارند که حمایت از حقوق افراد و دستیابی به امنیت چندان با یکدیگر معارض نیستند، چه امری حکمی مطرح باشد و چه موضوعی. ولی بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م دو مقوله حقوق بشر و امنیت بیشتر مورد توجه قرار گرفت که ناشی از یک ریشه از اختلافات بود. در چهارچوب این دو موضوع، معمولاً دوگانگی‌هایی مطرح می‌شوند که ناشی از دو موضوع هستند: اول اینکه ممکن است جهت ایجاد یک تعادل جدید تقاضای سیاسی و تقاضای مطبوعات مطرح گردد تا از مواضع حقوق بشری توسط دولت‌ها بعضاً عقب‌نشینی شود. برای درک این موضوع باید دوباره به واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م نگاهی بی‌افکنیم. با درک درست از این موضوع پاسخ ما می‌تواند هوشمندانه باشد (Goodwin-Gill, 2008, p. 1).

در عمل کاملاً برعکس است؛ چراکه نمی‌توان کار مبارزه علیه تروریسم را در چهارچوب تصمیم مردم پیش برد. مبارزه با تروریسم امری مستمر و در برخی مواقع لحظه‌ای می‌باشد و این موضوع نیازمند تجربه و تخصص می‌باشد؛ لذا نمی‌توان در این مورد نقشی برای مردم قائل شد. در عمل نیز حتی در آمریکا همچنین است. اختیار تصمیم‌گیری در این مورد همواره با مقامات دولتی است چراکه کیفیت و اقدام در این مورد را باید در چهارچوب امور تخصصی قلمداد کرد؛ البته باید توجه داشت که برای غلبه بر مشکلات موجود باید توجه داشت که مقامات دولتی بسیاری از کشورها از اختیارات بسیار گسترده‌ای در مورد اقدامات علیه تروریسم برخوردارند که در برخی مواقع به نفع آنان می‌باشد ولی ممکن است به ضرر جامعه نیز تمام شود و حقوق افراد پایمال شود. ولی همزمان باید برای مبارزه مؤثر با تروریسم، دادرسی عادلانه و حمایت از حریم خصوصی همواره مطرح باشد. در این میان اختیارات کافی در چهارچوب قانون نیز

باید اعطا شود که به حقوق افراد لطمه وارد نشود. ولی با این همه باید توجه داشت که تعارضی بین مبارزه با تروریسم و تأمین حقوق اساسی افراد با در نظر داشتن یک راهبرد مؤثر وجود ندارد؛ بنابراین دو مقوله امنیت و آزادی بر یکدیگر مؤثر می‌باشند و چنانچه امنیت بیشتر شود ناچاراً باید بخشی از آزادی‌های جامعه کاهش یابد تا بتوان با وضع محدودیت‌هایی، بر اوضاع حاکم شد (Gowlland-Debbas, 2007, p. 281).

مسئله دیگری را بکار یا مطرح می‌کند که محتاج بررسی می‌باشد. این مسئله طبق نظر وی، کیفر معیار اصلی برای آزادی و امنیت است چراکه هرچه کیفر بیشتر و سنگین‌تر باشد، امنیت افراد نیز بیشتر تأمین می‌شود؛ البته عادلانه‌تر نیز می‌باشد. همین کیفر سنگین می‌تواند افراد خطرناک را از جامعه دور و امنیت افراد و آزادی آنان را تضمین کند؛ لذا عدالت کیفری با تضمین دو مقوله آزادی و امنیت تضمین می‌شود (پاکنهاد، ۱۳۸۸، ص. ۴۱). جالب توجه است که در طی مدت زمان مرز بین آزادی و امنیت تغییر می‌باید و به عبارت بهتر متغیر است. سؤالی که در ایجاد ایجاد می‌شود این است که زمانی که وضعیت اضطراری پیش می‌آید، چگونه حدود و شکل محدودیت‌های آزادی باید وضع شود؟ زمانی که امنیت در مخاطره می‌افتد و تهدیدات افزایش می‌یابد، آن موقع است که قدر امنیت دانسته می‌شود و دولت و یا هیئت حاکمه تلاش می‌کند امنیت را بیشتر تأمین نماید. برای این امر سلسله محدودیت‌هایی وضع می‌شود که ممکن است آزادی افراد را تحت الشعاع قرار دهد؛ البته چیستی و ماهیت این آزادی در بستر قانون مهم است. چه نوع آزادی می‌تواند امنیت را برهم‌زند؟ سخنرانی؟ قلم؟ مقاله روزنامه؟ یا آزادی تردد افراد در سطح جامعه؟ در اینجا است که حدود و ثغور این آزادی و ارتباط آن با امنیت مطرح می‌شود (توماس، ۱۳۸۲، ص. ۶۸).

اصرار و تأکید بر محاکمه کیفری به عنوان یک مکان مناسب حتی برای شدیدترین جرائم، گام کوچکی خواهد بود. در این مورد دادرسی نیز مهم می‌باشد. چراکه مظنون تروریستی چنانچه با دادرسی منصفانه روبه‌رو نباشد، نه تنها محکومیت عادلانه نخواهد بود بلکه فرد به جد از آزادی‌های مشروع خود محروم می‌شود و یا برعکس اگر واقعاً اعمال تروریستی انجام شده باشد ولی بدون مجازات رها شوند، این افراد در سطح جامعه خطرناک بالقوه تلقی می‌شوند و هر لحظه ممکن است امنیت افراد را تحت الشعاع خود قرار دهند؛ لذا با اتخاذ تدابیری در این زمینه، عدالت بسیار مهم جلوه

می‌کند و برای زندگی انسان‌ها ارزشمند خواهد بود. مشخص است که این اصطلاح، دارای حوزه موسعی می‌باشد که فرایند رسیدگی‌های قضایی یکی از آن می‌باشد (پاکنهاد، ۱۳۸۸، ص. ۴۵).

۲. تقابل حق و مصلحت در جرائم تروریستی

در ابتدای بحث سؤال این است که متهم دارای چه حقوقی در مورد جرائم تروریستی است؟ آیا این حقوق را می‌توان نقض نمود؟ اگر می‌توان نقض نمود تا چه میزان؟ اگر نه پس چگونه باید به جرائمی که در بطن اعمال تروریستی وجود دارد، رسیدگی کرد؟ در این مورد با نگاه به حقوق بین‌الملل و اسناد مربوطه متوجه می‌شویم که رویکردی که در این مورد اتخاذ شده است، بسیار محتاطانه بوده است. از یک‌طرف حقوق بین‌الملل حقوق متهم تروریستی را غیرقابل عدول دانسته و از طرف دیگر با توجه به اوضاع و احوال جاری در جامعه و با توجه شرایطی که وجود دارد، ممکن است این حقوق با مجوز قانون قابلیت عدول داشته باشد. مهم‌ترین شرطی که در این مورد وجود دارد، امنیت ملی جامعه است که ممکن است خود ریشه این نقض‌ها باشد ولی برخی حقوق مسلم وجود دارد که حتی در صورت ارتکاب شدیدترین جرائم نیز قابل عدول نیست؛ مثل ممنوعیت بازداشت خودسرانه، ممنوعیت شکنجه، قانون بودن جرائم و مجازات و.... (تسخیری، ۱۳۸۸، ص. ۲۱).

۲-۱. حمایت‌های بین‌المللی در ارتباط با مجرمان تروریست

به موازات تعهدات عمومی در قبال قوانین حقوق بشر، حقوق بین‌الملل پناهندگی، مجموعه‌ای از قوانین است که با تعریف واژه پناهنده و مقرر ساختن تعهدات دولت‌ها در قبال این افراد و وضع استانداردهایی در رابطه با نحوه رفتار با آنها، چهارچوب حقوقی معینی را به منظور حمایت از پناهندگان ترسیم می‌نماید. جنبه‌هایی از حقوق بین‌الملل پناهندگی نیز به افراد پناهجو مربوط می‌شود. مقاله‌نامه مربوط به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۶۷، دو سند جهانی در زمینه حقوق بین‌الملل پناهندگان به حساب می‌آیند (Žižek, 2016, p. 78)؛ البته تا آنجاکه به تروریسم و اقدامات اتخاذی برای مقابله با آن مربوط می‌شود، هر دو یک سیستم مهار و توازن را ممزوج می‌نمایند، در حین اینکه ملاحظات امنیتی

دولت‌ها و جوامع میزبان را مدنظر قرار می‌دهند از حقوق افرادی حمایت می‌کنند که بر خلاف سایر گروه‌های خارجی دیگر از حمایت کشور خود برخوردار نیستند. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، بند ۲-۷ قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا اقداماتی را به منظور پیشگیری از فعالیت‌های تروریستی اتخاذ نمایند و اشکال گوناگون عملیات تروریستی را جرم‌انگاری کنند؛ به علاوه آنها را ملزم می‌نماید اقداماتی را اتخاذ نمایند که موجب حمایت و ترویج همکاری میان کشورها شود؛ از جمله امضای اسناد بین‌المللی مقابله با تروریسم. قطعنامه همچنین به مسائل مربوط به مهاجرت و وضعیت پناهندگان نیز اشاره می‌کند؛ به عنوان مثال دولت‌ها را ملزم به پیشگیری از جابه‌جایی تروریست‌ها از طریق کنترل مؤثر مرزها و تضمین بی‌نقض بودن اوراق هویتی و اسناد مسافرتی می‌کند. همچنین از دولت‌ها خواسته شده تضمین نمایند به پناهجویانی که عملیات تروریستی را برنامه‌ریزی یا تسهیل نموده‌اند یا در این گونه عملیات شرکت داشته‌اند، وضعیت پناهندگی اعطا نکرده و وضعیت پناهندگی مورد سوءاستفاده مرتکبان، سازمان‌دهندگان با تسهیل‌گران عملیات تروریستی واقع نگردد.^۱ شایان ذکر است که این قطعنامه، تعهدات جدیدی را در زمینه وضعیت حقوقی پناهنده با پناهجو در زمینه حقوق بین‌الملل پناهندگی شناسایی نکرده است. مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ دربردارنده قواعدی است که تضمین می‌نمایند حمایت بین‌المللی از پناهندگان شامل ترغیب‌کنندگان، تسهیل‌کنندگان و مرتکبان عملیات تروریستی نمی‌شود. در همین رابطه دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان بر این باور است که نباید به مسئولان ارتکاب اعمال تروریستی این اجازه داده شود که سازوکارهای پناهندگی را به منظور یافتن پناه و رسیدن به مصونیت مخدوش نمایند. چهارچوب حقوق بین‌الملل پناهندگان دربردارنده مقرراتی است که هدفش جلوگیری از سوءاستفاده است تا از این رو قادر به پاسخگویی به سوءاستفاده‌های احتمالی از سازوکارهای پناهندگی توسط مسئولان اعمال تروریستی باشد (Schuster, 2015, pp. 21-22).

نخست، وضعیت پناهندگی تنها به افرادی اعطا می‌شود که واجد معیارهای تعریف پناهندگی مقرر در ماده ۱ (الف) مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ باشد یعنی «فردی که ترس موجه

1. <https://www.unodc.org/pdf/crime/terrorism/res1373english.pdf>

دارد از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی با داشتن عقاید سیاسی تحت آزار و اذیت قرار گیرد». در بسیاری از موارد مرتکبان عملیات تروریستی ترسی از آزار و اذیت به‌خاطر یکی از دلایل وضع شده در مقاله‌نامه ۱۹۵۱ ندارند بلکه در حال فرار از تعقیب قانونی به‌خاطر ارتکاب اعمال تروریستی هستند (خبیری و دربندی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶).

دوم، مطابق با ماده ۱ (و) مقاله‌نامه ۱۹۵۱، افرادی که واجد شرایط مقرر در ماده ۱ (الف) هستند از شمول حمایت بین‌المللی از پناهندگان خارج می‌شوند اگر که دلایل محکمی وجود داشته باشد دال بر اینکه این افراد، خارج از کشور پناه‌دهنده و قبل از گرفتن وضعیت پناهندگی، مرتکب جنایتی جنگی، جنایت علیه بشریت، جرم غیرسیاسی مهم یا اعمال مغایر با اهداف و اصول سازمان ملل شده‌اند (Lehner, 2018, p. 74).

در این زمینه ماده ۱(۶) (ب) مربوط به ارتکاب جرم غیرسیاسی مهم توسط پناهجویان پیش از پذیرش در کشور پناه‌دهنده است. اعمالی که واجد ویژگی‌های تروریسم هستند اغلب به‌مثابه جرائم غیرسیاسی مهم تلقی می‌شوند. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان دستورالعمل‌هایی را در رابطه با اجرای شروط منع‌کننده اعطای وضعیت پناهندگی در مقاله‌نامه ۱۹۵۱ صادر کرده است و ماهیت استثنایی آنها و ضرورت در اجرای دقیق و موشکافانه آنها را یادآور می‌شود (سرفراز، ۱۳۹۳، ص. ۲۷).

۲-۲. ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم

از آنجاکه تروریسم بر بهره‌مندی از حقوق بشر و کارکرد جامعه تأثیر می‌گذارد، دولت‌ها باید اقداماتی را در راستای مقابله با آن اتخاذ نمایند. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، از آنجاکه تروریسم تأثیرات سوئی در بهره‌مندی از طیف وسیعی از حقوق بنیادین بشر به‌جا می‌گذارد، دولت‌ها نه‌تنها محق بلکه موظف به اتخاذ اقداماتی مؤثر در راستای مقابله با آن هستند. مقابله مؤثر با تروریسم و حمایت از حقوق بشر اهدافی مکمل و درعین حال تقویت‌کننده یکدیگرند که دولت‌ها باید همواره به آنها به‌عنوان بخشی از وظایفشان در راستای حمایت از افراد تحت صلاحیتشان پایبند باشند (اسماعیلی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶). پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، شورای امنیت به‌سرعت در راستای تقویت چهارچوبی حقوقی برای همکاری بین‌المللی و اتخاذ

رویکردی مشترک در برابر تهدید ناشی از تروریسم در زمینه‌هایی همچون پیشگیری از تأمین مالی تروریسم، کاهش خطر دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی و بهبود وضعیت تبادل اطلاعات بین مرزی توسط مقامات اجرای قانون، همچنین تأسیس رکنی نظارتی یعنی کمیته مقابله با تروریسم به منظور نظارت بر اجرای این تدابیر، اقداماتی انجام داد؛ به علاوه در سطح منطقه‌ای، از جمله در اتحادیه آفریقا، شورای اروپا، اتحادیه اروپا، اتحادیه کشورهای عرب، سازمان امنیت و همکاری اروپا، سازمان دولت‌های آمریکایی، سازمان همکاری اسلامی، اتحادیه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا و دیگر سازمان‌ها پیشرفت‌هایی در زمینه مقابله با ترور حاصل شده است (Nail, 2016, pp. 161-162).

از زمان تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت، روزبه‌روز بر تعداد قوانین و سیاست‌های اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم در سطح جهان افزوده می‌شود که بسیاری از آنها در بهره‌مندی از حقوق بشر تأثیر گذارند. بسیاری از کشورها در راستای اجرای تعهداتشان در زمینه مقابله با تروریسم، با وضع سریع قوانین با اتخاذ بدون تأمل مجموعه‌ای از اقدامات منجر به بروز پیامدهای منفی برای آزادی‌های مدنی و حقوق بنیادین بشر می‌شوند. در فصل سوم مهم‌ترین مسائل حقوق بشری عنوان می‌گردند که دولت‌ها باید آنها را همواره در حین مقابله با تروریسم جدی تلقی کنند تا بدین‌وسیله تضمین نمایند که اقداماتشان در زمینه مقابله با تروریسم منطبق با تعهداتشان در قبال قوانین حقوق بشری صورت می‌گیرد (Jeandesboz, 2016, pp. 300-301). نقش مهم حقوق بشر و تعهدات دولت‌ها در زمان مقابله با تروریسم با تصویب راهبرد جهانی سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم در قالب قطعنامه ۲۸۸/۶۰ مجمع عمومی، جامعه بین‌المللی متعهد شد که اقداماتی را در راستای تضمین احترام به حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون به‌عنوان پایه و اساس مقابله با تروریسم اتخاذ نماید. براین‌اساس دولت‌های عضو بر آن شدند که به‌منظور بررسی شرایطی که منجر به گسترش تروریسم می‌شوند، از جمله عدم حاکمیت قانون و نقض حقوق بشر، اقداماتی را اتخاذ نمایند و تضمین کنند که هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آنها در قالب حقوق بین‌الملل، از جمله قوانین حقوق بشر، قوانین پناهندگی و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مطابقت داشته باشد.

در سال ۲۰۰۴، هیئت عالی‌رتبه برای تهدیدها و چالش‌ها در گزارش خود اعلام کرد که نارضایتی‌های ناشی از فقر، اشغال خارجی، نقض حقوق بشر و نبود مردم‌سالاری نقش به‌سزایی در پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی بین‌المللی دارند (Niemann & Zaun, 2018, p. 17). نتیجه نشست جهانی سران، مورد تصویب مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵م، نیز مقوله احترام به حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم را مدنظر قرار داده و نهایتاً اعلام می‌کند همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم باید مطابق با حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد و مقوله‌نامه‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مربوطه صورت پذیرد.

مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر نیز تأکید کرده‌اند که دولت‌ها باید تضمین نمایند هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آنها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابقت داشته باشد. شورای امنیت نیز به همین منوال در اعلامیه مقرر در قطعنامه ۱۴۵۶ (۲۰۰۳)، مصوب جلسه شورای امنیت در سطح وزیران امور خارجه، اظهار داشت که دولت‌ها باید اطمینان حاصل نمایند که هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آنها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابقت داشته باشد. این مسئله بار دیگر در قطعنامه ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) شورای امنیت مورد تأیید واقع شد. دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان «اتحاد علیه تروریسم: توصیه‌هایی برای راهبرد جهانی مقابله با تروریسم» احترام به حقوق بشر را به‌عنوان یکی از عناصر ضروری در اجرای تمامی جنبه‌های راهبردی مقابله با تروریسم توصیف نمود و تأکید کرد که اقدامات اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم و حمایت از حقوق بشر نه تنها اهداف مغایر بلکه مکمل و تقویت‌کننده یکدیگرند. ارکان مبتنی بر معاهدات منطقه‌ای با جهانی همواره خاطرنشان شده‌اند که مشروعیت اقدامات اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم به میزان مطابقت آنها از قوانین بین‌المللی حقوق بشر بستگی دارد (Rettberg & Gajjala, 2016, pp. 179-180).

راهبرد جهانی سازمان ملل برای مقابله با تروریسم بار دیگر بر رابطه ناگشودنی حقوق بشر و امنیت تأکید می‌کند و اعلام می‌دارد، حاکمیت قانون و حقوق بشر باید در

محوریت تلاش‌های ملی و بین‌المللی در راستای مقابله با تروریسم قرار گیرند. به موجب این راهبرد، دولت‌های عضو متعهد به تضمین احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون به‌عنوان اساس مقابله با ترور هستند. بدین‌منظور، راهبردهای ملی مقابله با تروریسم باید به‌دنبال پیشگیری از اعمال تروریستی و بررسی عوامل منجرشونده به گسترش این اعمال باشند، افراد مسئول اعمال مجرمانه را تحت تعقیب قرار دهند با آن‌ها را به‌صورت قانونی استرداد نمایند، مشارکت مؤثر و رهبری جامعه مدنی را ترویج دهند و توجه کافی به حقوق تمامی قربانیان نقض حقوق بشر داشته باشند (توماس، ۱۳۸۲، ص. ۲۷).

ترویج و حمایت از حقوق بشر نه‌تنها مقوله‌ای ضروری در راستای مقابله با تروریسم به‌حساب می‌آید بلکه دولت‌ها باید تضمین نمایند که هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم مطابق با تعهدات آن‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر صورت می‌پذیرد. از دسامبر ۱۹۷۲م تاکنون مجمع عمومی چندین قطعنامه در رابطه با تروریسم به تصویب رسانده و در آنها به بررسی اقدامات مقابله با تروریسم بین‌المللی و همچنین رابطه میان تروریسم و حقوق بشر پرداخته است. مجمع همچنین تأکید کرده است که دولت‌ها باید تضمین نمایند که تمامی اقدامات آنها برای مقابله با تروریسم با تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل و به‌ویژه قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بشردوستانه مطابقت داشته باشد (Zedner, 2014, pp. 111-112). براساس منشور ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت گذارده شده است. این مسئولیت شامل اقدامات لازم در راستای بررسی تروریسم به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی نیز می‌شود. شورای امنیت تا کنون اقداماتی را در راستای مقابله با تروریسم اتخاذ کرده است. این اقدامات مقدمتاً در دهه (۱۹۹۰) عموماً در قالب تحریم دولت‌هایی که با برخی عملیات تروریستی در ارتباط بوده‌اند و سپس در قالب تحریم طالبان و القاعده صورت پذیرفته است. تأسیس گروه‌هایی برای نظارت بر اجرای این تحریم‌ها از دیگر اقدامات در این راستا است. در سال ۲۰۰۱م، شورا قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) را به تصویب رساند که در آن دولت‌های عضو ملزم به اتخاذ اقداماتی به‌منظور پیشگیری از فعالیت‌های تروریستی و جرم‌انگاری اشکال گوناگون عملیات تروریستی شده‌اند (Rygiel, 2011, p. 11). همچنین در این

قطعه‌نامه از دولت‌ها خواسته شده است تا اقداماتی همچون تصویب اسناد مقابله با تروریسم را اتخاذ نمایند تا بدین طریق همکاری میان کشورها در این زمینه موجب تقویت و ترویج شود. همچنین دولت‌های عضو ملزم به ارائه گزارش‌های منظم راجع به پیشرفت‌های خود در این زمینه به کمیته مقابله با تروریسم شده‌اند.

همان‌گونه که ذکر آن رفت، شورای امنیت در چندین قطعه‌نامه از دولت‌ها درخواست کرد که تضمین نمایند اقدامات اتخاذی آنها برای مقابله با تروریسم با قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بشردوستانه مطابقت داشته باشند. لازم به ذکر است که کمیته مقابله با تروریسم در گزارش خود به شورای امنیت (S/۸۰۰/۲۰۰۵)، بار دیگر بر این مسئله تأکید کرده است. کمیته مذکور همچنین تأکید کرد که هیئت اجرایی کمیته مقابله با تروریسم همواره باید در فعالیت‌های خود این مهم را مدنظر قرار دهد (زرنشان، ۱۳۸۶، ص. ۴۰). لازم به ذکر است علاوه بر تعهد عمومی دولت‌ها مبنی بر اتخاذ هرگونه اقدام در چهارچوب موازین حقوق بشری، معاهدات جهانی مربوط به مقابله با تروریسم آشکارا دولت‌ها را ملزم به پیروی از جنبه‌های گوناگون قوانین حقوق بشر می‌کند. در مقاله‌نامه بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم این موضوع به وضوح در چندین ماده بیان شده است؛ به عنوان مثال براساس ماده ۱۵ این مقاله‌نامه، دولت‌ها به صراحت مجاز شمرده شده‌اند که در صورت وجود دلایل محکمی مبنی بر اینکه دولت درخواست‌کننده اعاده فرد، قصد تعقیب قضایی یا مجازات وی را بر اساس زمینه‌های ممنوعه تبعیض دارد، از استرداد او با معاضدت حقوقی سرباز زنند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۸، ص. ۴۱).

۳-۲. مراجع قضایی و دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم موجود در حیطه تروریسم و سلب حق پناهندگی

یکی از اهداف عمده‌ای که معمولاً دولت‌ها با انعقاد مقاله‌نامه‌های منطقه‌ای و یا بین‌المللی درصدد آنند، همکاری بین دولت‌ها می‌باشد. یکی از این موارد هم همکاری در حوزه‌های قضایی و حقوقی است. بر اساس این مقاله‌نامه‌ها معمولاً مواردی جرم تلقی می‌شوند که دولت‌ها ملزم می‌شوند مجرم یا مظنون را استرداد نمایند. همکاری در زمینه استرداد دارای پیش‌زمینه‌ای می‌باشد که یکی از آنها درخواست تحقیقات قضایی

در کشور دیگر می‌باشد. پس از آن تحت پیگرد قرار گرفته و بعد از دستگیری به کشور محل ارتکاب جرم یا کشور متبوع استرداد می‌شوند؛ البته دارای استثنائاتی نیز می‌باشد که مهم‌ترین آن جرائم سیاسی است. یعنی در صورتی که جرم مرتکب سیاسی باشد، شامل استرداد نمی‌شود. یعنی کشور مربوطه معمولاً از استرداد چنین افرادی خودداری می‌کند؛ البته از منظر حقوق بین‌المللی کیفری، جرائم سیاسی از جمله موانع الزامی استرداد می‌باشد که معمولاً همه کشورها ملزم به آن هستند. این موضوع در قوانین ملی کشورها نیز گنجانده شده است. در ایران این مسئله در قانون استرداد مجرمان سال ۱۳۳۹ تکرار شده است و بر اساس ماده ۷ این قانون، متهمی که دارای جرم سیاسی می‌باشد، از استرداد وی جلوگیری می‌نماید. تصمیم در این مورد، بر عهده دولت استردادکننده می‌باشد. بند ب ماده ۲ مقاوله‌نامه سازمان همکاری اسلامی نیز بر خلاف رویه ثابت موافقتنامه‌های استرداد، اندکی متفاوت عمل کرده است (گوانتانامو رز، ۱۳۸۵، ص. ۳۲). بر اساس این بند، جرائم تروریستی از شمول جرائم سیاسی خارج بوده و البته تشخیص این امر را بر عهده دولت استردادکننده گذاشته است، ولی چنانچه جرمی تروریستی باشد، دولت استردادکننده نمی‌تواند تفسیری سیاسی از آن ارائه داده و از شمول جرائم تروریستی خارج نماید تا استرداد ننماید. مشابه این موضوع نیز در ماده ۱ مقاوله‌نامه اتحادیه عرب نیز ذکر شده است. در این ماده جرائمی را احصا کرده و آنها را حتی اگر با انگیزه سیاسی باشد، جزو جرائم تروریستی قلمداد نموده است (گوانتانامو رز، ۱۳۸۵، ص. ۳۴).

در دهه‌های اخیر، شمار زیادی اسناد حقوقی درباره تروریسم تنظیم و تصویب شده که در کنار هم، حقوق بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم محسوب می‌گردند. اینک بیش از ۱۴ عهدنامه بین‌المللی و دو پروتکل درباره انواع جرائم بین‌المللی که جرائم تروریستی شایع هستند وجود دارد و هرکدام از این اسناد، مشتمل بر فهرست می‌باشد که به صورت عینی به توصیف جرائم ممنوع شده می‌پردازد. براین اساس اقداماتی را انجام می‌دهند یا جرائم مزبور سرکوب شوند. سرکوب این جرائم در چهارچوب قانون یعنی مجازات قانونی می‌باشد (گوانتانامو رز، ۱۳۸۵، ص. ۳۶).

۲-۴. دادرسی عادلانه به مثابه حق

حق بر دادرسی عادلانه از جمله مواردی می‌باشد که از حقوق مسلم انسان‌ها در جامعه تلقی می‌شود. این حقوق از تمدن‌های بشری نشئت می‌گیرند ولی بیشتر به حقوق آنگلو ساکسونی و منشور کبیر انگلستان برمی‌گردد. فارغ از این موضوع، از منظر فلسفی این حقوق موافق فطرت انسان، عقل و خرد بشری می‌باشد که بر این مبنا ادیان هم توجه ویژه‌ای به آن کرده‌اند. منظور از این نوع محاکمه، رسیدگی موافق اصول و قانون به موضوعات کیفری و مدنی چه در موارد حکمی و چه در موارد موضوعی آن‌هم در دادگاهی که دارای صلاحیت، مستقل و بی‌طرف بوده و با رعایت اصول مسلم حقوقی، به دعوا رسیدگی نماید. دادرسی منصفانه را می‌توان از نظر کیفری شامل رعایت عدالت از کشف جرم گرفته تا اجرای مجازات را دانست؛ البته باید توجه داشت که رعایت تضمین‌های شکلی و ماهوی نیز دخیل در این امر می‌باشد (Syse, 2014, p. 407).

ولی واژه دیگری داریم با عنوان دادرسی بایسته. براین اساس هیچ‌گونه و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان بدون یک فرایند بایسته که قانونی و مشروع بوده، از حقوق افراد عدول نمود یا از اموال محروم کرد؛ لذا این عبارت دولت را ملزم می‌کند که بر اساس قانون کشور مربوطه، یعنی قانون اساسی، قوانین کیفری و سایر قوانین عمل کند. حتی در این مورد برخی اساتید نیز نظر داده‌اند؛ از جمله فیلیپ ماری، این استدلال را کرده است که حمایت از بزه‌دیده یا بازپروری مظنون یا مجرم می‌تواند جای تأمین امنیت را گرفته و حتی شامل مواردی از قبیل جرائم تروریستی نیز شود (Tazzioli, 2017, p. 32).

۳. تلافی سیاست ضد تروریسم و سیاست‌های پناهندگی در ارتباط با اقدامات دولت‌ها

تلافی سیاست ضد تروریسم و سیاست پناهندگی توجیه اعمال خشونت بیشتر دولتی علیه مردم، خواه مظنون به تروریست یا پناهجو، پناهنده یا مهاجر باشد. حملات تروریستی پاریس در نوامبر ۲۰۱۵ مصادف شد با ورود چند میلیون پناهجو و پناهنده که عمدتاً از ترکیه از طریق بالکان به اروپا می‌رفتند تا به مکان‌های امن برسند، یعنی مکان‌هایی که در معرض آزار و اذیت و آزار و اذیت روزانه قرار نگرفتند. ورود افراد از سوی برخی مقامات در برخی از کشورهای اروپایی به عنوان خطر بزرگی برای نظم عمومی تلقی می‌شد که حتی کنترل‌های مرزی بر روی افرادی که بین کشورهای شنگن

عبور می‌کردند، باید دوباره برقرار می‌شد تا اوضاع نظم یابد. در چنین منطق کنترلی و ضروری دانستن اینکه چه کسی از مرزها عبور می‌کند، وقوع حملات تروریستی مورد ادعای افراط‌گرایان اسلامی در خاورمیانه، محیطی مناسب برای درهم‌تنیدن دو موضوع کاملاً مجزا فراهم کرد: یکی، تهدید حملات تروریستی با الهام از افراط‌گرایان اسلامی و از سوی دیگر، ورود پیش‌بینی شده مردمانی که به دنبال حمایت بین‌المللی مهاجرت کردند. تعدادی از کشورهای اتحادیه اروپا به جای تفکیک مسائل و پرداختن به آنها در حوزه سیاست و عمل مجزای خود، این دو را در یک خط ترکیبی ادغام کردند. این اقدام آزادی خشونت دولتی علیه تروریست‌های مظنون در وضعیت اضطراری و پناهجویان و پناهندگان را ممکن کرده و سطح و شدت خشونت دولتی که با حمایت‌های قانون اساسی و تعهدات حقوق بشری مطابقت ندارد را افزایش داد (Bigo & Guild, 2019, p. 24).

خشونت دولتی با انکار حق ترک کشورهای درگیر جنگ داخلی مانند سوریه کم‌رنگ شده است. بحث این است که حمایت از شهروندان مستلزم نقض حقوق بشر دیگران است. ادعای حق بستن مرزها به کسانی که در داخل آن مرزها هستند، این امکان را می‌دهد که کمتر و مستقیماً تحت تأثیر مصائب کسانی باشند که به دنبال حمایت بین‌المللی هستند. مجموعه‌ای از روایت‌ها در اروپا تلاش می‌کنند تا تصویر همبستگی نسبت به پناهندگان را به تصویری از محافظت در برابر تهاجم و ورود تروریست‌ها تغییر دهند. باین حال، اگر بدون سرمایه‌گذاری حاکمیت دولت در کنترل‌های مرزی از جمله در داخل منطقه شنگن اتحادیه اروپا و ایجاد نقاطی که پناهندگان به اجبار در آنها سکونت می‌گزینند، از منظر امنیت و مقابله با تروریسم بی‌ضرر و مثبت هستند.

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل در قالب معاهدات بین‌المللی از جمله حمایت از پناهندگان و مهاجرت اجباری، امنیت ملی را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد. معاهدات بین‌المللی مربوطه به کشورها امکان محدود کردن جابه‌جایی افراد و امتناع از حمایت بین‌المللی را بر اساس دلایل امنیت ملی یا تروریسم می‌دهد. باین حال، هر دو مفهوم همچنان به حوزه ملی

واگذار می‌شوند. معاهدات بین‌المللی در قالب حقوق بشر، قاجاق انسان و استانداردهای کار به‌ندرت از واژه امنیت ملی یا تروریسم استفاده می‌کنند، به‌استثنای یک مورد بسیار محدود در پروتکل‌های پالمو علیه قاجاق و قاجاق انسان. به‌طور مشابه، اقدامات سازمان ملل با هدف مبارزه با تروریسم به‌ندرت به مهاجرت یا حمایت بین‌المللی اشاره می‌کند. این قلمرو نیز در حقوق بین‌الملل در برابر ادغام امنیت ملی/تروریسم و مهاجرت در یک تداوم مصون است. با این حال، اقدام ضد تروریسم و مبارزه با تروریسم در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود دارد که به کشورهایی که به‌دنبال «بیرونی کردن» فعالیت‌های ضد تروریسم خود هستند که نتیجه آن منجر به پیشگیری از جرم توسط پناهندگان می‌شود.

تروریست چالش‌های اساسی برای نظام حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کند، درحالی‌که پناهنده مشکلی ناخوشایند است ولی باید توجه داشت که چگونه یک پناهجو، در غیاب یک پوشش قانونی که او را به‌عنوان یک پناهنده مستحق به‌رسمیت می‌شناسد، در نظر گرفته می‌شود. تحولات پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م که در آن شورای امنیت سازمان ملل متحد از کشورها خواست تا جنایات تروریستی را محکوم کنند و هیچ پناهگاه امنی برای هیچ تروریستی فراهم نکنند، این تصور را تضعیف نکرده است. این رویدادها فقط سطح سوءظن را بالا برد و مسائل تروریسم و پناهندگی را به یکدیگر نزدیک کرد. این واقعیت که پناهجویان به‌عنوان «جنایتکاران»، «تروریست‌های احتمالی» یا مهاجران غیرقانونی معرفی می‌شوند که حضورشان باید به‌عنوان یک موضوع کنترل مرزی و جنایت مدیریت شود و نیازهای آن‌ها حائز اهمیت نیست، نشان می‌دهد که چگونه رویکرد نسبت به پناهندگان تغییر کرده است. برای این منظور، همان‌طور که در بسیاری از قطعنامه‌های سازمان ملل مجدداً تأیید شده است، بسیار مهم است که دولت‌ها تعهد خود را برای اطمینان از همسویی اقدامات ضد تروریسم با زمینه‌های بین‌المللی مرتبط، مانند قوانین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق پناهندگان، رعایت کنند؛ لذا یکی از موضوعات مهم این مقاله، حمایت‌های بین‌المللی در ارتباط با مجرمان تروریست می‌باشد که نیازمند چهارچوب مشخصی است و پیشنهاد می‌شود سیاست‌ها و اقدامات یکسانی در این راستا اندیشیده شود. درمقابل آن نیز برای مقابله با تروریسم حمایت و ترویج حقوق بشر نیز نیاز است که به بهانه مبارزه با تروریسم نباید حقوق

پناهندگان همانند برخی کشورها نقض شود. بحث دیگر نیز وجود دادگاه‌های صالح است که در حیطه تروریسم باید به همه جوانب موضوع نگاه کرده و سپس تصمیم‌گیری و حکم صادر نمایند چراکه ممکن است حق پناهندگی سلب گردد و شخص مزبور مجبور شود برای برنگشتن به کشور خود، به مهاجرت دوباره در کشورهای دیگر دست زند. از این‌منظر پیشنهاد می‌شود سیستم رسیدگی به جرائم پناهندگان باید عادلانه گردد و همان‌طور که در مقاله بررسی شد، رسیدگی عادلانه به‌مثابه حق باید مورد توجه قرار گیرد.

کتابنامه

- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۲). پناهنده (حقوق بایدها و نبایدها). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- اخوان، منیره (۱۳۹۵). پناهندگی سیاسی، «مفهومی بشردوستانه با ابزاری سیاسی». فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، ۴(۱۸).
- اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۵). پیشگیری از تروریسم جنایی در سیاست جنایی تقنینی ایران. دایرةالمعارف علوم جنایی. مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی. جلد دوم. تهران: نشر میزان.
- پاکنهاد، امیر (۱۳۸۸). سیاست جنایی ریسک مدار. تهران: میزان.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۸). مجموعه مقالات همایش جهان قربانی تروریسم. تهران: مجمع جهانی صلح.
- توماس، فیلیپ (۱۳۸۲). واکنش‌های قانونی به تروریسم، نگرش انتقادی. ترجمه محمود سلیمی (گزارش پژوهشی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خبیری، کابک و دربندی، مارال (۱۳۹۵). حقوق بین‌المللی و مسئله تروریسم. مقاله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- زرنشان، شهرام (۱۳۸۶). شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم. مجله حقوقی، (۳۸).
- سرفراز، فرشید (۱۳۹۳). پناهندگی: مفهوم، دگرگونی‌های تاریخی و جایگاه آن در نظام بین‌الملل کنونی. مجله سیاسی - اقتصادی، (۲۹۶).
- سعیدی، سعید (۱۳۸۵). حقوق پناهنده در نظام بین‌الملل و قوانین ایران. روزنامه شرق، (۸۵۴).
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۸). حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی. تهران: دادگستر.
- گوانتانامو رز، دیوید (۱۳۸۵). جنگ آمریکا علیه حقوق بشر. ترجمه نجله خندقی، تهران: امیرکبیر.

- Bigo, Didier & Guild, Elspeth (2019). International Law and European Migration Policy: Where Is the Terrorism Risk?. *Laws*, 8(4), 30. <https://doi.org/10.3390/laws8040030>
- Goodwin-Gill, G.S. (2008). Forced Migration, Refugee Rights and Security, in J. McAdam (ed.), *Forced Migration, Human Rights and Security*, 1.
- Gowlland-Debbas, V. (2007). "The Link Between Security and International Protection of Refugees and Migrants", in V. Chetail (ed.), *Mondialisation, Migration et Droits de l'Homme: le Droit International en Question/Globalization, Migration and Human Rights: International Law under Review*, 281.
- Jeandesboz, Julien (2016). Smartening border security in the European Union: An associational inquiry. *Security Dialogue*, (47), 292–309.
- Lehner, Roman (2018). The EU-Turkey-'deal': Legal Challenges and Pitfalls. *Chaoyang: International Migration*.
- Nail, Thomas (2016). A tale of two crises: Migration and terrorism after the Paris attacks. *Studies in Ethnicity and Nationalism*, (16), 158–67.
- Niemann, Arne & Natascha, Zaun (2018). EU refugee policies and politics in times of crisis: Theoretical and empirical perspectives. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, (56), 3–22.
- Rettberg, Jill Walker & Radhika, Gajjala (2016). Terrorists or cowards: Negative portrayals of male Syrian refugees in social media. *Feminist Media Studies*, (16), 178–81.
- Rygiel, Kim (2011). Bordering solidarities: Migrant activism and the politics of movement and camps at Calais. *Citizenship Studies*, (15), 1–19.
- Schuster, Lisa (2015). *Unmixing Migrants and Refugees*. Abingdon: Routledge International Handbooks.
- Syse, Aslak (2014). Breivik—the Norwegian terrorist case. *Behavioral Sciences & the Law*, (32), 389–407.
- Tazzioli, Martina (2017). The expulsions of humanitarianism. The hampered channels of asylum in France. *lo Squaderno*, (44), 29–34.
- Zedner, Lucia (2014). Terrorizing criminal law. *Criminal Law and Philosophy*, (8), 99–121.
- Žižek, Slavoj (2016). *Against the Double Blackmail: Refugees, Terror and other Troubles with the Neighbours*. London: Penguin UK.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی